

سیمای سوره معارج

این سوره، چهل و چهار آیه دارد و از سوره‌های مکی است، گرچه آیات اولیه آن در مدینه نازل شده است.

نام سوره، برگرفته از آیه سوم است و به معنای محل عروج فرشتگان در آسمان‌ها می‌باشد.

همانند دیگر سوره‌های مکی، محور آیات این سوره، پیرامون معاد و انذار مشرکان و مخالفان است. حالات کافران در قیامت و صفات و ویژگی‌های بهشتیان و دوزخیان، بخش دیگری از آیات این سوره را تشکیل می‌دهد.

البته آیات اولیه سوره درباره نزول عذاب در دنیا است که یکی از منکران ولایت حضرت علی علیه السلام گرفتار آن شد و به هلاکت رسید و تفصیل ماجرا در ذیل آیه اول آمده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ﴿ ۲ ﴾ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ

﴿ ۳ ﴾ مِّنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ ﴿ ۴ ﴾ تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي

يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ

سائلی، عذابی واقع شدنی را درخواست کرد. که برای کافران است و هیچ بازدارنده‌ای برای آن نیست. و از سوی خداوند صاحب درجات والاست. فرشتگان و روح، در روزی که مقدار آن پنجاه هزار سال است، به سوی او بالا می‌روند.

نکته‌ها:

□ «معارج» جمع «مَعْرَج» به معنای محلّ عروج و صعود است و مراد از آن، آسمان هاست که محلّ نزول و عروج فرشتگان می‌باشد.

□ مرحوم علامه امینی رحمته الله در کتاب شریف الغدير^(۱) نام سی نفر از بزرگان مفسّرین و محدّثین، از قرن سوم هجری تا قرن چهاردهم را نقل کرده که گفته‌اند: شأن نزول آیه «سأل سائل» مربوط به شخصی می‌باشد که به پیغمبر گفت: نصب امیرالمؤمنین به خلافت در روز غدیر از طرف خودت بود یا از طرف خدا؟! ما را به حج و روزه و زکات فرمان دادی و ما قبول کردیم، اما راضی نشدی، تا آن که پسر عموی خودت را بر ما حاکم کردی! سپس گفت: «اللّٰهم ان كان هذا هو الحق من عندك فامطر علينا حجارة من السماء»^(۲) خدایا اگر این امر حق است از آسمان سنگی بباران (تا نابود شویم و شاهد چنین روزی نباشیم). سنگی فرود آمد و او نابود شد و این آیه نازل شد. «سأل سائل بعذاب واقع»

پیام‌ها:

- ۱- یادآوری برخی حوادث جزئی و فردی، برای عبرت دیگران لازم است و باید حفظ شود. (سائل یک نفر بود که قهر خدا او را نابود کرد، ولی این ماجرا در متن قرآن مطرح می‌شود تا تمام انسان‌ها در طول تاریخ بخوانند.) «سأل سائل بعذاب واقع»
- ۲- تقاضای نابجا، مغرضانه و لجوجانه می‌تواند حادثه آفرین باشد. «سأل سائل بعذاب واقع»
- ۳- تا وقتی عذاب الهی نازل نشده، راه توبه و دفع عذاب با صدقه باز است، اما عذابی که در حال نزول است، راه نجاتی از آن نیست. «بعذاب واقع... لیس له دافع»

۱. الغدير، ج ۱، ص ۲۳۹ تا ۲۴۶.

۲. انفال، ۳۲.

﴿۵﴾ فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ﴿۶﴾ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا ﴿۷﴾ وَ نَرَاهُ قَرِيبًا ﴿۸﴾ يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ ﴿۹﴾ وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ

پس صبر کن صبری نیکو. همانا آنان آن روز را دور می‌بینند. و ما آن را نزدیک می‌بینیم. روزی که آسمان همانند فلز گداخته شود. و کوه‌ها مانند پشم حلّاجی شده گردد.

نکته‌ها:

- نیش و نوشهای برخی مسلمانان و مخالفان به پیامبر اسلام ﷺ در ماجرای نصب حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به امامت در غدیر خم، به قدری بود که خداوند، پیامبرش را سفارش به صبر می‌کند. ﴿سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ... فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا﴾
- کافران، اصل معاد را امری بعید می‌شمردند و آن را دور از ذهن و عقل می‌دانند، در حالی که در نزد خداوند، قیامت امری قطعی و واقع شدنی است، پس امری نزدیک است. ﴿انهم يرونه بعيدا و نراه قريبا﴾
- حدود بیست مرتبه خداوند پیامبرش را در قرآن به صبر دعوت کرده است، آن هم صبر جمیل، که در آن جزع و فزع و سخنان ناروا نباشد. البته خطاب صبر به پیامبر است، ولی امت نیز باید صبر داشته باشند.
- برای بر پا شدن قیامت، نظام موجود زمین و آسمان به کلی دگرگون می‌شود. در قرآن تعبیراتی است که این بهم خوردن را بیان می‌کند، چنانکه می‌فرماید: ﴿يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ﴾ ^(۱) آسمان را مثل طومار درهم می‌پیچیم. ^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- حَتَّىٰ پیامبر، نیازمند توصیه به صبر و پایداری هستند. ﴿فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا﴾

۱. انبیاء، ۱۰۴. ۲. برای تفصیل بیشتر، به کتاب معاد مؤلف مراجعه شود.

- ۲- کسی که قیامت را نزدیک ببیند، در برابر مشکلات صبر و پایداری می‌کند.
﴿فاصبر... نراه قریباً﴾
- ۳- نظام موجود در آسمان، پایانی دارد و روزی نابود می‌شود. ﴿یوم تكون السماء
کالمهل﴾

﴿۱۰﴾ وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيماً ﴿۱۱﴾ يُبْصِرُونَ هُمْ يَوْمَ الْمُجْرِمِ
لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمَئِذٍ بِبَنِيهِ ﴿۱۲﴾ وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ
﴿۱۳﴾ وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ ﴿۱۴﴾ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً ثُمَّ
يُنْجِيهِ ﴿۱۵﴾ كَلَّا إِنَّهَا لَأَطْفَىٰ ﴿۱۶﴾ نَزَّاعَةً لِّلشَّوْىِ ۚ ﴿۱۷﴾ تَدْعُوا
مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّىٰ ﴿۱۸﴾ وَجَمَعَ فَأَوْعَىٰ

و هیچ دوستی از دوستش احوالی نپرسد. به یکدیگر نمایانده می‌شوند. در آن روز مجرم دوست دارد فرزندان خود را برای دفع عذاب فدیة دهد و فدای خود کند. و همچنین همسر و برادرش را. و بستگان و قبیله‌اش را که همیشه به او پناه دادند. (بلکه آرزو دارد) تمام مردم روی زمین را فدا کند تا او را نجات دهند. چنین نیست، همانا آن آتش شعله‌ور است. که پوست بدن را به شدت جدا می‌کند. (این آتش) هر کس را که (به حق) پشت کرده و روی برتافته، فرامی‌خواند. و (نیز کسی که مال) جمع کرده و ذخیره ساخته است.

نکته‌ها:

□ «یفتدی» به معنای فدیة و عوض دادن برای رهایی و نجات است. «فصيلة» به معنای فامیلی است که انسان از آن جدا شده است. «تؤیه» از «مأوی» به معنای پناه دادن است. «لطفی» شعله خالص آتش است. «أوعی» از «وعاء» به معنای ظرف است و مراد از آن، ذخیره کردن چیزی در ظرف است. «شوی» به پوست اطراف بدن گویند.

□ مجرم در قیامت سه آرزو می‌کند:

الف) با خاک یکسان شود. ﴿لَوْ تَسَوَّىٰ بِهِمُ الْاَرْضُ﴾^(۱)

ب) از اعمالش دور شود. ﴿امداً بعيداً﴾^(۲)

ج) با فدیة دادن رها شود. ﴿يوم يودّ المجرم لو يفتدى...﴾

□ مجرم برای فدیة دادن و نجات یافتن، فرد یا گروهی را انتخاب نمی‌کند، بلکه می‌گوید:

همه را بگیرید و مرا آزاد کنید؛ فرزند، همسر، برادر، فامیل و همه مردم زمین. (کلمات با حرف واو عطف شده نه با حرف «اُو»)

در آن روز، عاطفه فرزندی، غیرت همسری، محبت برادری و حمایت فامیلی و آشنایی مردمی همه فدا می‌شود، ولی چه سود؟!

□ بر اساس این آیات، عوامل دوزخی شدن چهار چیز است: فرد در ظاهر به حق پشت

می‌کند: ﴿ادبر﴾ در قلب تنفر دارد و روی بر می‌تابد: ﴿تولّى﴾ ثروت اندوزی می‌کند: ﴿جمع﴾

و به دیگران نمی‌دهد. ﴿فاوعى﴾

پیام‌ها:

۱- به دوستی‌ها و روابط گرم دنیوی دل نبندید که در آخرت به کار نیاید. ﴿لا یسئل

حمیم حمیماً﴾

۲- در قیامت، شکنجه روحی و جسمی با هم است. نشان دادن خویشان و دوستان

صمیمی به انسان و بالعکس، بالاترین شکنجه روحی است. ﴿یبصرونهم﴾

۳- مجرم در آن روز، نجات خود را از عذاب، به قیمت نابودی همه می‌خواهد.

﴿یودّ المجرم لو یفتدی... بینیه و صاحبته و اخیه... و من فی الارض جمیعاً ثم ینجیه﴾

۴- مراقب باشیم که در دنیا به خاطر رفاه همسر و فرزندان و جلب رضایت

دوستان و خویشان، خود را دوزخی نکنیم. زیرا در آن روز هیچ یک از آنها به

داد ما نمی‌رسند و به درد ما نمی‌خورند. ﴿لو یفتدی... بینیه و صاحبته و اخیه﴾

۱. نساء، ۴۲.

۲. آل عمران، ۳۰.

- ۵- غریزه حبّ ذات، بالاترین غرایز است. «لو یفتدی... من فی الارض جمیعاً ثم ینجیه»
 ۶- آتش دوزخ شعور دارد و مجرم شناس است. «تدعوا من ادبر و تولّی»

﴿ ۱۹ ﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً ﴿ ۲۰ ﴾ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً

﴿ ۲۱ ﴾ وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً ﴿ ۲۲ ﴾ إِلَّا الْمُصَلِّينَ ﴿ ۲۳ ﴾ الَّذِينَ

هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ

همانا انسان، بی تاب و حریص آفریده شده است. هرگاه بدی به او رسد، نالان است. و هرگاه خیری به او رسد، بخیل است. مگر نمازگزاران. آنان که بر نمازشان مداومت دارند.

نکته‌ها:

- «هلوع» به معنای انسان بی صبر و حریص است.
- سؤال: خداوند در برخی آیات، آفرینش انسان را بهترین: «خلقنا الانسان في احسن تقويم»^(۱) و خود را بهترین خالق برشمرده است: «احسن الخالقين»^(۲) اما در این آیات، تصریح شده که انسان، حریص و بخیل آفریده شده است. این دو چگونه با یکدیگر قابل جمع است؟
- پاسخ: در آفرینش انسان، امور متضادّ قرار داده شده و این رمز تکامل است. نفس، انسان را به بدی سوق می‌دهد: «انّ النفس لأمارة بالسوء»^(۳) ولی عقل، انسان را از آن باز می‌دارد: «مهی النفس عن الهوی»^(۴) و رشد انسان در انتخاب میان این تقابل‌هاست که به تربیت و تزکیه انسان می‌انجامد.
- بر اساس روایات، بهترین عمل آن است که تداوم داشته باشد.^(۵) «الذین هم علی صلاتهم دائمون»

۳. یوسف، ۵۳.

۲. مؤمنون، ۱۴.

۱. تین، ۴.

۵. تفسیر نورالثقلین.

۴. نازعات، ۴۰.

□ روایات زیادی در مورد حرص وارد شده^(۱) که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

«الحرص لا یزید فی الرزق» حرص، رزق را زیاد نمی‌کند.

«مَنْ کَثُرَ حِرْصُهُ... ذَلَّ قَدْرُهُ» کسی که حرصش بیشتر باشد، خوار و ذلیل می‌شود.

«رُبَّ حَرِیصٍ قَتَلَهُ حِرْصُهُ» چه بسا انسان حریص که حرصش او را بکشد.

«لَیْسَ لِحَرِیصٍ غِنَاءٌ» حریص، هرگز بی نیاز نمی‌شود.

«الحرصُ یُرْزَى بِالْمَرُوَّةِ» حریص، مروّت و جوانمردی خود را از دست می‌دهد.

«الحرصُ مطیّةُ التَّعَبِ» حرص، بستر رنج‌هاست.

«لا حِیاءَ لِحَرِیصٍ» حریص، به خاطر رسیدن به مال، عفت و حیا را کنار بگذارد.

«الحرصُ الاسیرُ» حریص، اسیر است.

«الحرصُ علامةُ الفقرِ» حرص، نشانه فقر است.

«الحرصُ یفسدُ الایقانَ» حرص، یقین به مقدرات الهی را فاسد می‌کند.

«الحرصُ موقعٌ فی کثیرِ العیوبِ» حرص، انسان را در عیوب بسیاری قرار می‌دهد.

«لا یلْقِ الحریصُ مُستریحاً» انسان حریص، آسایش و راحتی ندارد.

پیام‌ها:

- ۱- نشانه حریص بودن دو چیز است: جَزَعٌ به هنگام سختی و بُخْلٌ به هنگام کامیابی. «هلوعاً اذا مسّه الشر جزوعاً و اذا مسّه الخیر منوعاً»
- ۲- ریشه بسیاری از ناهنجاری‌ها، حرص و بخل است. «جزوعاً... منوعاً»
- ۳- انسان بسیار کم ظرفیت است، با تماس با سختی فریاد می‌زند و بخل می‌ورزد. «مسّه... مسّه»
- ۴- راه نجات از اخلاق ناپسند، مداومت به نماز است. «خلق هلوعاً... الا المصلین»
- ۵- طبع مادی انسان به سوی حرص و بخل میل دارد و نماز و یاد خدا آن را مهار می‌کند. «انّ الانسان خلق هلوعاً... الا المصلین»

۱. غررالحکم.

- ۶- انسان بدون نماز مضطرب است. ﴿جزوعاً... منوعاً... الا المصلین﴾
 ۷- آثار نماز در گرو مداومت بر آن است. ﴿الذین هم علی صلاتهم دائمون﴾

﴿۲۴﴾ وَ الَّذِينَ فِيْ اَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ ﴿۲۵﴾ لِّلسَّائِلِ وَ
 الْمَحْرُومِ ﴿۲۶﴾ وَ الَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿۲۷﴾ وَ الَّذِينَ
 هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ﴿۲۸﴾ اِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ
 ﴿۲۹﴾ وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿۳۰﴾ اِلَّا عَلَىٰ اَزْوَاجِهِمْ اَوْ
 مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُهُمْ فَاِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿۳۱﴾ فَمَنْ اَبْتَغَىٰ وَرَاءَ
 ذٰلِكَ فَاُوَلِّتْكَ هُمْ الْعَادُونَ

و آنان که در اموالشان حقی است معلوم. برای افراد سائل و محروم. و آنان که روز جزا را باور دارند. و آنان که از عذاب پروردگارشان بیمناکند. زیرا از عذاب پروردگارشان ایمنی نیست. و آنان که دامن‌های خود را (از گناه) حفظ می‌کنند. مگر بر همسران یا کنیزانشان که در این صورت، در خور ملامت نیستند. پس کسانی که جز این را طلب کنند، اینان همان تجاوزگرانند.

نکته‌ها:

- به گفته مفسران، این آیه قبل از فریضه خمس و زکات نازل شد.
- از امام صادق علیه السلام درباره «حق معلوم» سؤال شد، فرمود: این حق غیر از زکات واجب است و مراد آن است که خداوند به انسان ثروتی داده و او بخشی از آن را جدا کرده و با آن صلہ رحم می‌کند و مشقت را از خویشان خود بر می‌دارد.^(۱)
- از امام باقر علیه السلام نیز درباره این آیه پرسیدند، فرمود: «حق معلوم» غیر از زکات است.^(۲)
- در نهج البلاغه می‌خوانیم: «ان الله سبحانه فرض في اموال الاغنياء اقوات الفقراء فما جاع

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۹۵.

فقیر الّا بما متّع به غنیّ و اللّٰه تعالی سائلهم عن ذلك»^(۱) همانا خداوند قوت فقرا را در اموال اغنیا قرار داده است و هیچ گرسنه‌ای نیست مگر آن که ثروتمندی از حق او بهره‌برداری می‌کند و خداوند از آنان بازخواست خواهد کرد.

□ عبارت «للسائل و المحروم» نشان می‌دهد که برخی از نیازمندان جامعه، سؤال نمی‌کنند و محروم بودن خود را نشان نمی‌دهند، لذا بر اغنیاست که به سراغ کشف و شناسایی آنان بروند و حقوق آنان را ادا کنند.

□ در برابر آداب و رسوم و حساسیت‌های نابجا، باید مقاومت کرد و حلال الهی را حرام جلوه نداد. در جامعه، برخی آداب و رسوم است که مانع ازدواج به هنگام دختر و پسر و یا در کنار هم بودن عروس و داماد می‌شود و اگر ازدواج در آغاز جوانی انجام گیرد، مردم ملامت و سرزنش می‌کنند. در حالی که از نظر قرآن، نباید این افراد مورد ملامت قرار گیرند و کسانی که از راهی غیر ازدواج اقدام می‌کنند باید مورد سرزنش قرار گیرند.

□ استمناء گناه بزرگی است. از امام صادق علیه السلام در مورد استمناء پرسیدند، حضرت فرمود: «اثم عظیم نهی اللّٰه عنه فی کتابه» گناه بزرگی است که خداوند از آن نهی فرموده است. پرسیدند: در کدام آیه؟ حضرت آیه «فمن ابتغی وراء ذلك فاوئئک هم العادون» را تلاوت فرمودند.^(۲)

□ حضرت علی علیه السلام به فرزندش می‌فرماید: آن گونه از خدا خوف داشته باش که اگر تمام خوبی‌ها را داشته باشی، احتمال بده از تو نپذیرند و آن گونه امید داشته باش که اگر تمام بدی‌های مردم زمین را داشته باشی، احتمال بده تو را بیخشند.^(۳)

□ ایمان به قیامت و بیم از عذاب، زمینه توجّه به نماز و انفاق است.

پیام‌ها:

۱- هلوغ، جزع و بخل دارد، امّا مصلی، نماز و انفاق دارد. «هلوغاً... جزوعاً.. منوعاً - الّا المصلین... حقّ معلوم للسائل و المحروم»

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۲۸.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۰۱.

۳. تفسیر نمونه.

- ۲- نماز و رسیدگی به محرومان، پیوند ناگسستنی دارند. ﴿الْمُصَلِّينَ... حَقِّ مَعْلُومٍ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ﴾
- ۳- انفاق، تعدیل کننده روحیه حرص و بخل است. ﴿خَلَقَ هَلُوعًا... جَمَعَ فَاوَعَى... فِي أَمْوَالِهِمْ حَقِّ مَعْلُومٍ﴾
- ۴- مؤمن و نمازگزار واقعی، خود را مالک همه دارایی‌های خود نمی‌داند و سهمی از آن را حق دیگران می‌داند. ﴿فِي أَمْوَالِهِمْ حَقِّ مَعْلُومٍ﴾
- ۵- نیازمندان، در اموال توانگران حق دارند و شریکند. ﴿حَقِّ مَعْلُومٍ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ﴾
- ۶- در فقرزدایی تنها به ظاهر افراد ننگرید، گروهی از محرومان صورت خود را با سیلی سرخ نگه می‌دارند و سؤال نمی‌کنند. ﴿وَ الْمَحْرُومِ﴾
- ۷- سعادت فرد، از سعادت جامعه جدا نیست. ﴿الْمُصَلِّينَ... لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ﴾
- ۸- نیازمندی، شرط دریافت است، مؤمن باشد یا نباشد. ﴿لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ﴾
- ۹- دین جامع آن است که هم به مسائل اجتماعی توجه کند، ﴿حَقِّ مَعْلُومٍ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ﴾ و هم به مسائل اعتقادی. ﴿الَّذِينَ يَصَّدَّقُونَ يَوْمَ الدِّينِ﴾
- ۱۰- اسلام، دینی فطری است. هم باید غرائز از راه درست ارضا شود و هم جلوی فحشا و منکر گرفته شود. ﴿الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ... الْآلِ عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ﴾
- ۱۱- اسلام با طرد غریزه جنسی، مخالف است. ﴿الْآلِ عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ﴾
- ۱۲- خطر، همیشه در کمین است: خطر انحراف و سوء عاقبت و بدون توبه مردن، خطر پذیرفته نشدن اعمال، خطر حبس اعمال، و... ﴿وَ الَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ﴾
- ۱۳- در ازدواج مشروع، از هر کس، در هر زمان و مکان، از هر سن و سال، نباید ملامتی باشد. ﴿فَانْهَمِمْ غَيْرَ مَلُومِينَ﴾
- ۱۴- ارضای غریزه جنسی از راههای حرام، نوعی تجاوزگری است. ﴿فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَاُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ﴾

﴿۳۲﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿۳۳﴾ وَالَّذِينَ هُمْ
بشهاداتهم قَائِمُونَ ﴿۳۴﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ
﴿۳۵﴾ أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ

و آنان که رعایت کننده امانت‌ها و قراردادهای خویشند. و آنان که به
(ادای) شهادت‌های خود قیام می‌کنند. و آنان که بر نمازشان مراقبت
دارند. اینان در بهشت‌ها گرامی داشته می‌شوند.

نکته‌ها:

- در آیات ۲۲ تا ۳۵ سوره معارج، سیمای امت اسلامی و جامعه ایده‌آل ترسیم شده است:
رابطه دائمی و کامل با خداوند از طریق نماز دارند.
- به مشکلات محرومان توجه دارند و بخشی از مال خود را حق آنان می‌دانند.
- به خاطر ایمان به معاد و ترس از حساب، بر افکار و گفتار و رفتارشان تقوا حاکم است.
- به امانات و تعهداتشان پایبندند.
- نسبت به حقوق مردم قیام می‌کنند و اگر برای شهادت و گواهی دعوت شوند ردّ نمی‌کنند.
- در ارضای غریزه جنسی، به دنبال راه حلال و تشکیل خانواده و نسل پاک هستند.
- امانت شامل امانت معنوی نیز می‌شود، همچون مسئولیت‌ها، اسرار مردم و آبروی آنان.
- هر عهد و پیمانی لازم الاجرا می‌باشد: با مردم، با خدا، با رهبران دینی، با همسر و
- شاید مراد از عبارت ﴿عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ﴾^(۱) ترک نکردن و مراد از ﴿عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾ جدی گرفتن نماز باشد. همچون انتظار نماز، وضو گرفتن قبل از رسیدن وقت، با جماعت و در مسجد خواندن نماز و مراعات شرایط صحّت و قبولی و کمال نماز.^(۲)
- در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ، خیانت در امانت، عدم وفای به عهد و دروغ‌گویی، از نشانه‌های نفاق شمرده شده است.^(۳)

۱. معارج، ۲۳. ۲. تفسیر کبیر فخررازی. ۳. سفینة البحار، ج ۲، ص ۱۳۱.

پیام‌ها:

- ۱- نشانه ایمان، تنها نماز و انفاق نیست، رعایت عهد و پیمان‌های اجتماعی نیز شرط ایمان است. ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾
- ۲- سکوت آگاهان، جرم و گواهی به حق، نشانه ایمان است. ﴿بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ﴾
- ۳- آغاز و پایان تمام کمالات، توجه به نماز است. در آغاز فرمود: ﴿الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ﴾ و در پایان نیز می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يَحْفَظُونَ﴾
- ۴- بهشتیان از نظر مادی، ﴿فِي جَنَّاتٍ﴾ و معنوی ﴿مَكْرُمُونَ﴾ تأمین هستند.

﴿۳۶﴾ فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ ﴿۳۷﴾ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ ﴿۳۸﴾ أَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ ﴿۳۹﴾ كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ

پس کافران را چه شده که شتابان به سوی تو می‌آیند. از راست و چپ، گروه گروه. آیا هر یک از آنان طمع دارد که به بهشتی پر نعمت در آید. چنین نیست، همانا ما آنان را از آنچه می‌دانند، آفریده‌ایم.

نکته‌ها:

- «مُهْطِعِينَ» به معنای گردن کشیدن یا خیره نگاه کردن یا به سرعت راه رفتن برای جستجوی چیزی است.
- حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: رسول گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیوسته با منافقان مدارا داشت و آنان را در سمت راست و چپ خود می‌نشاند، تا آن که خداوند اذن داد که آنان را از خود دور کند و به این آیه استناد فرمود: ﴿فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ﴾. ^(۱) زیرا کفر به معنای تسلیم نشدن است، نه نشناختن. چنانکه شیطان، خدا را می‌شناخت و قیامت را قبول داشت، زیرا می‌گفت: ﴿أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ﴾ ^(۲) اما با این حال تسلیم خدا نشد.

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. اعراف، ۱۴.

به هر حال، علم غیر از ایمان است، منافقان نسبت به پیامبر ﷺ شناخت داشتند ولی تسلیم او نبودند و لذا لقب کافر در مورد آنان به کار رفته است.

- «قَبِيل» به معنای روبرو و «عَزِين» جمع «عِزَّة» به معنای گروه‌های پراکنده است.
- عمر سعد در صبح عاشورا برای کشتن امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام به لشکرش گفت: «يا خيل الله اركبي و اُبشري بالجنة»^(۱) ای لشکر خدا بر اسبان سوار شوید و شما را به بهشت بشارت باد.
- کفار به تمسخر می‌گفتند: اگر سخنان پیامبر درباره بهشت درست باشد ما هم بهشتی هستیم و حتی زودتر به آنجا خواهیم رفت. «أيطمع كل امرء منهم ان يدخل جنة نعيم»

پیام‌ها:

- ۱- قرآن، جاذبه‌ای داشت که حتی مخالفان، برای شنیدن آن گرد پیامبر اجتماع کرده و گردن می‌کشیدند. «فقال الذين كفروا قبلك مهطعين»
- ۲- پیامبر سعه صدری داشت که حتی مخالفان دور او جمع می‌شدند. «عن اليمين و عن الشمال عزين»
- ۳- به هر اجتماع و استقبال گرم مردم، دلخوش نکند. «مهطعين عن اليمين و عن الشمال عزين»
- ۴- چه بسا دشمن برای گرفتن اخبار و تصمیمات مؤمنان، در اطراف آنان حضور یابند. «فقال الذين كفروا... عن اليمين و عن الشمال عزين»
- ۵- کفار، از پیامبر ﷺ اعراض می‌کردند و این منافقین بودند که خود را هر چه بیشتر به پیامبر نزدیک می‌کردند. «عن اليمين و عن الشمال عزين»
- ۶- منافق، به عمل خود مغرور است و به بهشت طمع دارد. «يطمع كل امرء منهم ان يدخل جنة نعيم»
- ۷- منافقان توقع دارند بدون ایمان و عمل وارد بهشت شوند. «يُدخل جنة نعيم»
- ۸- به دشمنان و آرزوهای نابجای آنان، قاطعانه پاسخ دهید. «يطمع... كلاً»

۱. تفسیر اطیب البیان.

۹- کسانی که می دانند ما آنها را از آبی پست آفریده ایم، چرا این همه غرور دارند که با وجود کفر و نفاق، توقع بهشت دارند. ﴿كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ﴾
 ۱۰- کسانی که می دانند ما آنان را از چه چیز آفریده ایم، باید بدانند قدرت دوباره آفریدن را داریم. ﴿إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ﴾

﴿ ۴۰ ﴾ فَلَا أُنْسَ لِمَنِ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ

﴿ ۴۱ ﴾ عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِّنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ

﴿ ۴۲ ﴾ فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُونَ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي

يُوعَدُونَ ﴿ ۴۳ ﴾ يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ

نُصْبٍ يُوفِضُونَ ﴿ ۴۴ ﴾ خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَٰلِكَ

الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ

به پروردگار مشرق ها و مغرب ها سوگند می خورم که ما تواناییم. بر این که بهتر از آنان را به جای ایشان بیاوریم و ما قطعاً مغلوب و ناتوان نیستیم. پس آنان را به حال خود واگذار، یاوه بگویند و بازی کنند تا روزی را که وعده داده شده اند، ملاقات کنند. روزی که شتابان از قبرها بیرون آیند، چنان که گویی به سوی نشان هایی نصب شده می روند. چشمانشان فرو افتاده و ذلتی (وصف ناپذیر) آنان را فرا گرفته است. این است آن روزی که به ایشان وعده داده می شد.

نکته ها:

□ مراد از «المشارق و المغرب» مشرق و مغرب های خورشید است، زیرا خورشید در هر روز از ایام سال، مشرق و مغربی جداگانه دارد و از نقطه ای طلوع و در نقطه ای دیگر غروب

می‌کند و هیچ‌گاه از مشرق دیروزش طلوع و در مغرب دیروزش غروب نمی‌کند.^(۱)

□ مراد از «خیراً منهم» بهتر بودن در ایمان است. یعنی ما قادریم منافقان را از میان برداریم و به جای آنان مردمانی با ایمان بیاوریم که پیرو حق باشند و آن را انکار نکنند.

□ در باره‌ی مشرق و مغرب، در قرآن سه‌گونه تعبیر آمده است:

به صورت مفرد: «المشرق و المغرب»^(۲)، به صورت تثنیه: «المشرقین و المغربین»^(۳) و به صورت جمع: «المشارق و المغارب»

در نگاه کلی یک سمت مشرق و یک سمت مغرب است.

در نگاه دیگر، تغییر مدار در تابستان و زمستان است که مدار تابستان در شمال و مدار زمستان در جنوب است پس خورشید، دو مشرق و دو مغرب دارد.

و در نگاه دقیق‌تر، هر روز یک نقطه طلوع و غروب دارد که در واقع ۳۶۵ مشرق و ۳۶۵ مغرب می‌شود. حدیثی از حضرت علی علیه السلام نیز مؤید این معناست.^(۴)

□ همانند آیه ۴۱، خداوند در آیات دیگر نیز کافران و مشرکان و منافقان را تهدید کرده که قادر است آنان را از میان بردارد و بهتر از آنان را بیاورد: «ان یشاء ینذهبکم و یأت بحلق جدید»^(۵)، «ان تتولوا یتبدل قوماً غیرکم ثم لا یتولوا امثالکم»^(۶)

□ آیه ۴۲ این سوره، همانند آیه ۸۳ سوره زخرف است. «فذرهم یخوضوا...»

□ خروج از قبرها همراه با سراسیمگی است. «یخرجون من الاجداث سراعا» چنانکه در جای دیگر می‌فرماید: «یخرجون من الاجداث کأنهم جراد منتشر»^(۷) و یا «من الاجداث الی ربهم ینسلون»^(۸)

□ «نُصِب» به علامتی گویند که در راهها نصب می‌شود تا راه گم نشود. البته برخی مفسران با توجه به آیه «و ما ذیح علی النُصب»^(۹) که در مورد قربانی کردن در پای بت‌هاست، مراد

۱. تفسیر المیزان. ۲. بقره، ۱۱۵. ۳. الرّحمن، ۱۷.
 ۴. تفسیر نورالتقلین. ۵. فاطر، ۱۶. ۶. محمّد، ۳۸.
 ۷. قمر، ۷. ۸. یس، ۵۱. ۹. مائده، ۳.

از «نُصَب» در این آیه را نیز بت‌ها دانسته‌اند که این معنا از کلام خدا به دور است.^(۱)

□ در سوره قلم آیه ۴۴ می‌خوانیم: ﴿فَذَرْنِي و مَنْ يَكْذِبْ هَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ و اَمْلِي لَهُمْ اَنْ كَيْدِي مَتَّيْنٌ﴾ مرا با تکذیب کنندگان این قرآن واگذار تا از جایی که فکرش را هم نمی‌کنند آنها را با قهر خود می‌گیریم و البته به آنان مهلت می‌دهم و تدبیر من قوی است.

□ جبهه‌گیری در برابر پیامبر سبب ذلت در دنیا: ﴿يُحَادِّثُونَ اللَّهَ و رَسُولَهُ اَوْلَئِكَ فِي الْاِذْنَئِينَ﴾^(۲) و آخرت است. ﴿تَرْهَقُهُمْ ذُلَّةٌ﴾

□ آنان که در دنیا قصد دارند با چشمان خود به پیامبر آسیبی بزنند، ﴿لِيَرْزُقَنَّهُمْ بِابْصَارِهِمْ﴾^(۳) در آخرت چشم‌های فرو افتاده و شرمنده دارند. ﴿خَاشِعَةَ ابْصَارِهِمْ﴾

پیام‌ها:

- ۱- سوگند خداوند به مشرق و مغرب، باید انسان را به فکر درباره آن‌ها وادار کند. ﴿فَلَا اِقْسَمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ و الْمَغَارِبِ﴾
- ۲- مشرق و مغرب، تحت ربوبیت الهی قرار دارند. ﴿رَبِّ الْمَشَارِقِ و الْمَغَارِبِ﴾
- ۳- نظام هستی، بر پایه نظم و حکمت استوار است، به گونه‌ای که می‌توان طلوع‌ها و غروب‌های هر روز در هر مکان را دقیق حساب کرد. ﴿الْمَشَارِقِ و الْمَغَارِبِ﴾
- ۴- هم آفرینش به دست اوست و هم تبدیل آن. ﴿خَلَقْنَاهُمْ... نَبْدَلْ خَيْرًا مِنْهُمْ﴾
- ۵- هیچگاه خود را بهترین ندانید که خداوند بهتر از شما را بیاورد. ﴿نُبْدَلْ خَيْرًا﴾
- ۶- تا احتمال اثر هست، ارشاد لازم است، اما بعد از یأس از هدایت باید آنان را رها کرد. ﴿فَذَرَهُمْ﴾
- ۷- سخنان یاوه و بی‌پایه درباره دین و رهبران دینی، انسان را در باتلاق گناه فرومی‌برد و او را گرفتار و مشغول می‌سازد. ﴿يَخْوَضُوا و يَلْعَبُوا﴾
- ۸- وظیفه دعوت و ارشاد، مادامی است که زمینه‌ای برای پذیرش باشد، اما اگر

۱. تفسیر المیزان.

۲. مجادله، ۲۰.

۳. قلم، ۵۱.

آنان یاوه‌گویی می‌کنند و همه چیز را به بازی گرفته‌اند، باید به حال خود رها شوند. ﴿ذَرَهُمْ يَخُضُوا وَيَلْعَبُوا﴾

۹- رها کردن مردم لجوج، همان مهلت دادن به آنهاست. ﴿ذَرَهُمْ يَخُضُوا﴾

۱۰- معاد، جسمانی است. ﴿يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ﴾

۱۱- سرعت در جمعیت انبوه، نشانه وحشت و اضطراب کافران در قیامت است. ﴿سِرَاعاً﴾

۱۲- رسوایی و ذلت در قیامت، سراسر وجود کافران را فرامی‌گیرد. ﴿تَرَهَقَهُمْ ذُلَّةٌ﴾

۱۳- انبیا، همواره مردم را نسبت به قیامت هشدار می‌دادند. ﴿يَوْمَ هَمَّ الَّذِينَ يُوْعَدُونَ... الْيَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُوعَدُونَ﴾

«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»